

سازمان‌دهی در انقلاب اسلامی ایران

حسین احمدی‌منش*
محمد احمدی‌منش**

چکیده

«سازمان‌دهی» از مهم‌ترین عواملی است که در فروکاهی قدرت رژیم پیشین و قدرت‌یابی انقلابیون و سرانجام در انتقال قدرت و پیروزی انقلاب مؤثر است و از این‌رو، مورد توجه و تأکید برخی از نظریه‌پردازان انقلاب قرار گرفته است. این دسته از نظریه‌پردازان بر ابعاد و مؤلفه‌های عقلانی در فرایند انقلاب پای می‌فشارند و «سازمان‌دهی» را مصداقی از کنش عقلانی برمی‌شمردند. در این نوشتار تلاش می‌شود «سازمان‌دهی» در انقلاب ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بدین منظور در سطح نظری، پس از واکاوی و بازشناسی ابعاد و جوانب این مفهوم در نظریه چارلز تیلی و تد رابرت گر، با نگاهی تلفیقی، مدلی مفهومی از سازمان‌دهی ترسیم می‌شود و در سطح تجربی، مبتنی بر روش مطالعه اسنادی و در راستای مدل مطروحه مصادیق و شواهدی از واقعیت انقلاب ایران ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی

سازمان‌دهی، سازمان‌پاشی، چارلز تیلی، تد رابرت گر، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل تنوع و چندگونگی نظریه‌های انقلاب، تفاوت و تمایز مبانی انسان‌شناختی نظریه و نظریه‌پردازان است. اینکه نظریه‌پرداز، انسان را چگونه موجودی بیانگارد و برای ابعاد مختلف وجود انسان چه ارزش و نقشی قائل شود، تأثیر بس مهمی در شکل‌گیری نظریه اجتماعی او و به تبع، در تبیین واقعیت‌های اجتماعی همچون انقلاب خواهد گذاشت. این مطلب در بسیاری از نظریه‌های انقلاب نمایان است. به عنوان

h_ahmadimanesh@yahoo.com

*. پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

**دکترای تاریخ دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۵

نمونه می‌توان به دوگانه نظریه‌های رفتار جمعی و نظریه‌های بسیج منابع اشاره نمود که برخی، آنها را دو پارادایم «رفتار جمعی»^۱ و «بسیج منابع»^۲ انگاشته‌اند. (کوهن، ۱۳۸۶: ۲۳)

در نظریه‌های رفتار جمعی، مفهوم محوری، «نارضایتی» است و وجه تمایز آنها از دیگر نظریات این است که رفتارهای جمعی انسان‌ها را نتیجه نارضایتی‌ها، ناکامی‌ها و پرخاشگری حاصل از آن می‌دانند. همه نظریه‌پردازان این پارادایم بر واکنش‌های روان‌شناختی نسبت به اختلال ساختاری، شیوه‌های ساده ارتباطات و اهداف ناپایدار تأکید دارند و این، بیانگر تمایل ضمنی برای در نظر گرفتن رفتار جمعی به عنوان واکنش ناخردانه یا غیرعقلانی نسبت به تغییر است. (همان: ۲۴ - ۲۳) به بیانی، در نظریه‌های رفتار جمعی، شرکت افراد در جنبش‌ها بر اساس انگیزه روانی و واکنشی کم‌وبیش غیر عقلانی، به شرایط اجتماعی است.

برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که در این گونه و به عبارتی در این پارادایم قرار می‌گیرند عبارتند از: هانا آرت^۳ و ویلیام کورن‌هاوزر^۴، هربرت بلومر^۵، نیل اسملسر^۶، پیتیریم سوروکین^۷ و جیمز دیویس^۸.

چنان‌که می‌بینیم از منظر نظریه‌پردازان پارادایم رفتار جمعی، حاضران و شرکت‌کنندگان در جنبش‌ها و انقلاب‌ها، انسان‌هایی عقل‌گریز و بیشتر هیجانی و احساسی‌اند که صرفاً در واکنش به نارضایتی‌ها به‌پاخاسته‌اند. اما بر خلاف نظریه‌پردازان پارادایم رفتار جمعی، نظریه‌پردازان بسیج منابع بر این عقیده‌اند که هر گونه کنش جمعی متضمن پیگیری عقلانی منافع توسط گروه‌هاست و شکل‌گیری جنبش‌ها به جای آنکه وابسته به تغییرات باشد به منابع، سازمان و فرصت‌های کنش جمعی وابسته است.

نظریه بسیج منابع که از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت، بر این نگرش متکی است که پدیده‌های اجتماعی نتیجه تصمیمات و کنش‌های فردی هستند. این نظریه بر مبنای فرضیات نظریه «گزینش عقلانی» مطرح شد که بر اساس آن مشارکت فرد در جنبش‌های اجتماعی، عقلانی است. به این ترتیب، این نظریه با نظریات قبلی در جامعه‌شناسی [به ویژه با پارادایم رفتار جمعی] به مخالفت برخاست که بر اساس آنها شرکت در جنبش‌ها دارای انگیزه روانی و واکنشی کم‌وبیش غیرعقلانی به شرایط اجتماعی هستند. (نش، ۱۳۸۰: ۱۴۴)

نظریه‌پردازان بسیج منابع یک ردیه خیلی ساده بر پارادایم رفتار جمعی که جنبش‌ها و انقلابات را صرفاً نتیجه نارضایتی‌ها می‌دانند، وارد می‌کنند. بر اساس این ردیه، از آنجا که همواره نارضایتی در جامعه وجود دارد صرف وجود آن نمی‌تواند مشارکت در کنش جمعی را توضیح دهد. از نظر نظریه‌پردازان بسیج منابع آنچه

1. Collective Behavior.
2. Resource Mobilization.
3. Hannah Arendt.
4. William Kornhauser.
5. Herbert Blumer.
6. Neil Smelser.
7. Pitrim A Sorokin.
8. James Chowning Davies.

نیاز به توضیح دارد این است که چرا افراد به‌گونه‌ای هدفمند و به واسطه ملاحظه عقلانی منافع، خودشان در کنش جمعی شرکت می‌کنند؛ و پاسخ‌شان این است که علت کنش اجتماعی شرایط ساختاری نیست. (همان: ۱۴۵)

از نظریه‌پردازان مشهور این پارادایم می‌توان به نام‌هایی چون: زالد و مک‌کارتی،^۱ آنتونی اوبرشال،^۲ مک‌آدام،^۳ سیدنی تارو،^۴ چارلز تیلی^۵ اشاره کرد.

با این وصف، یکی از مهم‌ترین وجوه تفاوت و تمایز این دو پارادایم، تفاوت در مبانی انسان‌شناختی آنهاست؛ به‌گونه‌ای که پارادایم رفتار جمعی بر این پیش‌فرض مبتنی است که فرد حاضر در جنبش‌ها و انقلاب‌ها و به عبارتی هر گونه رفتار جمعی را انسانی احساسی و هیجانی می‌انگارد که رفتارش نه تابع اراده و خردورزی‌اش بلکه واکنشی به محرک‌های بیرونی همچون نارضایتی‌های اجتماعی - سیاسی است. اما در مقابل، پارادایم بسیج منابع کنش‌گران جنبش‌ها و انقلاب‌ها را انسان‌هایی می‌داند که بر اساس تفکر و گزینش عقلانی و در پی منافع خود به کنش جمعی روی می‌آورند و در این راستا به سازمان‌دهی و بسیج منابع مادی و انسانی می‌پردازند.

با این همه، به نظر می‌رسد آنچه موجب این دوگانگی و تفکیک شده است، ریشه در نگاه دوگانه‌انگارانه^۶ و تقلیل‌گرایانه به وجود انسان دارد. برایان فی^۷ در این باره می‌گوید: در تفکر دوگانه‌انگار، سؤال‌ها به‌گونه‌ای مطرح می‌شوند که عبارات «یا این» «یا آن» در برابر هم قرار می‌گیرد و ناگزیر یکی از آنها صحیح انگاشته می‌شود. سؤال‌ها به‌گونه‌ای هستند که ما را به پاسخ‌هایی از جنس بله یا نه دعوت می‌کنند و مواضع مهمی از بحث‌ها به این یا آن وجه از پاسخ اختصاص دارند. (فی، ۱۳۸۱: ۳۱۵) وگرنه انسان موجودی پیچیده و چندوجهی است که واجد هر دو بعد پیش‌گفته می‌باشد؛ هرچند ممکن است در برخی رفتار / کنش‌های جمعی یکی از این ابعاد ظهور و بروز بیشتری داشته باشد. به بیانی دیگر، می‌توان گفت اگر رفتار / کنش‌های جمعی، اعم از جنبش‌ها، انقلابات و ... را با نگاهی فرایندی بنگریم، ممکن است در برخی مقاطع یا مراحل این فرایند بعد احساسی - هیجانی، غلبه بیشتر داشته باشد و در برخی مراحل دیگر کنش‌ها بیشتر عقلانی و حساب‌گرانه باشند.

بنابراین، به‌زعم نگارنده فرایند منتهی به انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، دربردارنده هر دو گونه «رفتارهای احساسی - هیجانی» و «کنش‌های عقلانی و حساب‌گرانه» بوده و شاید بتوان گفت در بسیاری از مراحل فرایند انقلاب این دو بعد در هم‌تنیده و آمیخته به هم بوده است.

البته در این باره، نکته‌ای مهم باید مورد ملاحظه قرار گیرد و آن، تفکیک و تمایز عقلانیت سوداندیش و منفعت‌طلب، از عقلانیت معطوف به ارزش است و تأکید بر اینکه عقلانیت کنش‌گران انقلاب ایران را

1. Mayer N. Zald & John D. McCarthy.
2. Anthony Richard Oberschall.
3. D. McAdam.
4. Sidney Tarrow.
5. Charles Tilly.
6. Dualistic.
7. Brian Fay.

به هیچ وجه نمی‌توان صرفاً عقلانیتی سوداندیش دانست و برعکس، غلبه با خواسته‌های ارزشی و معنادار است. حتی خواسته‌های اقتصادی و سیاسی مطرح شده در شعارهای انقلاب نیز از منفعت‌جویی‌های فردی و درون‌گروهی بری است و روح جمع‌گرایانه و نوع‌دوستانه در آنها موج می‌زند. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳: ۴۹)

واقعیت این است که برای بسیاری از مسلمانان فعال در صحنه فعالیت‌های انقلاب، کنش‌ها بر اساس نوعی احساس تکلیف و وظیفه شرعی صورت گرفته است که یا خود از متن منابع دینی استنباط و استخراج کرده‌اند یا در چارچوب عقلایی تقلید غیرمتخصص از متخصص، وظیفه خود را از رهبرانی دریافت نموده‌اند که به صداقت، دیانت و قدرت تشخیص آنها باور داشته‌اند. در چارچوب این نظام معنایی است که ایثار، از خودگذشتگی، مقاومت در برابر مشکلات و حتی دست شستن از منافع و امتیازات متعارف نیز می‌تواند معقول و منطقی باشد. این گونه کنش‌ها که در منطق وبری کنش عقلانی معطوف به ارزش نامیده می‌شود، کنشی است که فرد بدون توجه به زبان‌های فردی و به دلایلی چون وظیفه، شرف، زیبایی‌خواهی یا دعوت مذهبی، ملزم به عملی کردن یک اعتقاد است. (حاضری، ۱۳۸۰: ۸۰ - ۷۹)

با این مقدمه، در این نوشتار هدف آن است تا یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کنش عقلانی و حساب‌گرانه یعنی سازمان‌دهی در انقلاب ایران مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بدین منظور در سطح نظری، پس از واکاوی و بازشناسی مفهوم «سازمان‌دهی» و ابعاد و جوانب آن در نظریه چارلز تیلی و تد رابرت گر، تلاش می‌شود با نگاهی تلفیقی، مدلی مفهومی از سازمان‌دهی ترسیم شود و در سطح تجربی، مبتنی بر روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و در راستای مدل مطروحه مصادیق و شواهدی از واقعیت‌های انقلاب ایران ارائه گردد.

بررسی نظری مفهوم سازمان‌دهی

سازمان‌دهی در نظریه چارلز تیلی

مهم‌ترین نظریه‌پرداز پارادایم بسیج منابع، چارلز تیلی است که با استفاده از مطالعات صورت گرفته در این پارادایم و مطالعات خودش نظریه بسیج منابع را به طور کامل‌تر تدوین نموده و آن را در کتاب *از بسیج تا انقلاب* ارائه کرده است.

به عقیده تیلی یافته‌های تاریخ‌نگاران انقلاب نشان می‌دهد که پیش از وقوع انقلاب، سازمان‌های سیاسی در بین گروه‌های محروم جامعه رشد فزاینده‌ای می‌یابد. این سازمان‌ها که اعتراض‌هایشان توسط حکومت‌ها سرکوب و مهار می‌شود، در مرحله بعد برای کسب قدرت سیاسی، به خشونت، به عنوان وسیله‌ای استراتژیکی و تاکتیکی، متوسل می‌شوند. از این رو، انقلاب نوعی اعمال خشونت سیاسی سازمان‌یافته، آگاهانه و هدفمند از سوی گروه‌های محروم و معترض علیه نظام است. (Taylor, 1984: 130)

تیلی خاطر نشان می‌سازد که اگر مردم محروم و ناراضی فاقد سازمان‌دهی و منابع لازم باشند، نارضایتی به تنهایی نمی‌تواند به انقلاب منجر شود. او با این استدلال که نارضایتی و منازعه جزء طبیعی عرصه

سیاست هستند، بر این نکته تأکید می‌نماید که احتمال وقوع خشونت سیاسی تنها هنگامی وجود دارد که طرف‌های ناراضی از ابزار و منابع لازم برای انجام یک خشونت مؤثر برخوردار بوده و به عبارت دیگر، منابع و سازمان‌دهی لازم را برای انجام اقدامات پراهمیت داشته باشند. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰ - ۱۹)

در نظریه تیلی، کنش جمعی، اعم از انقلاب، محصول تعاملات رقابت‌آمیز گروه‌هایی است که برای کسب قدرت رقابت می‌کنند. این فرایند در چارچوبی انتزاعی ترسیم می‌شود که مدل جامعه سیاسی^۱ نام دارد. تیلی، گروه‌های مدعی را به «اعضای جامعه سیاسی» و «چالشگران» تقسیم نموده است. «اعضای جامعه سیاسی» کسانی‌اند که دسترسی روزمره به حکومت دارند و از قدرت نسبتاً زیادی بهره‌مندند؛ در مقابل، «چالشگران» قدرت نسبتاً کمی دارند و فاقد این دسترسی روزمره به حکومت هستند. (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۰ و ۱۷۴) اما در تلاش برای ورود به جامعه سیاسی و پاسخ‌گویی حکومت به خواسته‌هایشان هستند که تلاش آنها با مخالفت کارگزاران جامعه سیاسی مواجه می‌شود.

بنابراین در هر موقعیت زمانی خاص سه مجموعه متفاوت از کنش‌های متقابل در جامعه وجود دارد:

۱. اعضای جامعه سیاسی سعی می‌کنند، برای نفوذ در حکومت از منابع موجود بهره‌گیرند؛ ۲. اعضای جامعه سیاسی به واسطه ابزارهایی چون انتخابات و بحث‌های سیاسی یکدیگر را می‌آزمایند؛ ۳. چالشگران می‌کوشند در حکومت نفوذ کنند و به عضویت در جامعه سیاسی درآیند و در همان حال اعضای جامعه سیاسی که عمدتاً از کانال سازمان‌های حکومتی اقدام می‌کنند، در برابر آنها مقاومت می‌ورزند. (Taylor, 1984: 131)

خلاصه اینکه حکومت به سبب انحصار منابع اجبار و هنجار، می‌کوشد مانع از ورود چالشگران به جامعه سیاسی شود و دسترسی کم‌هزینه اعضای جامعه سیاسی را تسهیل کند؛ به عبارت دیگر، این مشارکت‌کنندگان، پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند. (سیمتی، ۱۳۷۵: ۱۴۱) بر این اساس در منازعه سیاسی میان حکومت و چالشگران، جناحی برنده است که توانایی بیشتری در بسیج منابع داشته باشد و آنچه بیش از همه بر بسیج منابع طرفین مؤثر است، میزان سازمان‌دهی آنها است.

به بیانی دیگر، تیلی در بازشناسی عوامل تأثیرگذار بر کنش جمعی به موازات «بسیج منابع» بر مفهومی دیگر پای می‌فشارد و آن وضعیت «سازمان» گروه مدعیان است. نزد او سازمان عبارت است از: «میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش افراد درون یک جمعیت و به عنوان یک فرایند، افزایش هویت مشترک و / یا ساختار وحدت‌بخش. به همین ترتیب کاهش هویت مشترک و / یا ساختار وحدت‌بخش را سازمان‌پاشی^۲ می‌نامد». (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳) سپس بر این نکته اصرار می‌ورزد که «هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع‌تری برخوردار باشد، سازمان‌یافته‌تر است». (همان: ۹۵)

به نظر می‌رسد منظور اصلی تیلی از مفهوم‌پردازی «سازمان»، توضیح و تشریح فرایند بسیج منابع است.

1. Polity Model.
2. Disorganization.

تیلی از این مفهوم از طرفی بر هویت مشترک و علقه‌های بین اشخاص و اعضای گروه اصرار می‌ورزد و از سویی بر وجود شبکه وسیع ارتباطات بین اعضای گروه پای می‌فشارد. اندک دقتی به ما می‌گوید این ویژگی‌ها یعنی هویت مشترک اعضا و شبکه ارتباطی گروه زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده و تداوم‌بخش بسیج منابع می‌باشند؛ به همین دلیل تیلی معتقد است: «سازمان باعث ارتقاء بسیج می‌شود». (همان: ۹۷) یعنی هر چه گروه سازمان‌یافته‌تر باشد، بسیج منابع آن گروه، و به تبع آن، امکان دستیابی به قدرت افزایش می‌یابد.

سازمان ←+ بسیج منابع

سازمان ← هویت مشترک ← وفاداری در تعهد به ارائه منابع ← بسیج منابع

سازمان‌دهی در نظریه تد رابرت گر

تد رابرت گر که در ایران با کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» شناخته می‌شود، از نظریه‌پردازانی است که نظریه‌اش با عنوان «محرومیت نسبی»^۱ بیشتر در ادامه رویکرد روان‌شناختی پیتیریم سوروکین و جیمز دیویس و به عبارتی در زمره نظریه‌های روان‌شناختی انقلاب به شمار می‌آید. اما توجه به این نکته بایسته است که نظریه «گر» نظریه‌ای صرفاً روان‌شناختی نیست و برخی متغیرهای کلان اجتماعی و همچنین مقوله‌هایی عقلانی را نیز به کار گرفته است. (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۰۰؛ مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰)

با این همه، در این نوشتار آن بخش از نظریه گر مطرح نظر است که به مفهوم سازمان و سازمان‌دهی و نقش‌ها و کارکردهای آن در سرانجام خشونت سیاسی اختصاص یافته است.

به زعم گر یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر «شکل و حجم خشونت سیاسی»، «توازن نهادی حمایت‌های نهادی رژیم و مخالفان» است. (گر، ۱۳۷۷: ۳۹۸) وی ذیل این مبحث، وضعیت سازمان‌دهی و رابطه آن با کنش جمعی و خشونت سیاسی را مورد بررسی قرار داده است.

نخستین عنصر تعیین‌کننده تأثیرات سازمان بر حجم خشونت سیاسی، اندازه واقعی و توزیع این گروه‌ها در میان جمعیت است. دومین عنصر تعیین‌کننده، میزان سازمان‌یافتگی آنها در حمایت از رژیم یا مخالفان است. تمامی مخالفان الزاماً در سازمان‌های طرفدار مخالفان عضویت ندارند و تمامی وفاداران نیز عضو سازمان‌های طرفدار رژیم نیستند. بسیاری از مردم، مخصوصاً در جوامع در حال گذار ممکن است تنها متعلق به سازمان‌های بی‌طرف باشند؛ سازمان‌هایی که نه حمایت فعالانه‌ای از رژیم به عمل می‌آورند و نه از مخالفان. (همان: ۴۰۰ - ۳۹۹)

می‌بینیم که گر به‌گونه‌ای تک‌بعدی و یک‌سویه وضعیت سازمان مخالفان را نمی‌نگرد، بلکه معتقد است

1. Relative Deprivation.

برای تعیین تأثیرات سازمان بر خشونت سیاسی باید توازن حمایت نهادی میان رژیم از یک سو و مخالفان از سوی دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد؛ یعنی به طور توأمان وضعیت سازمان مخالفان و رژیم مورد توجه اوست و بر هم خوردن تعادل و توازن به نفع مخالفان، یعنی برتری سازمان‌دهی مخالفان نسبت به رژیم، شرایط را برای انتقال قدرت مهیا می‌سازد.

مخالفان به شیوه‌های مختلف می‌توانند پایگاه‌هایی سازمانی برای مخالفت فعال به وجود آورند که در این باره گر به سه شیوه اشاره می‌کند.

یکی از راه‌ها «ایجاد سازمان‌های جدید» برای خود و هواداران بالقوه‌شان است. اگر گستره حمایت نهادی از رژیم اندک باشد و اگر نارضایتی، شدید و فراگیر باشد، سازمان‌ها ممکن است به «جنبش‌های احیاگر» همچون جنبش‌های انقلابی، هزاره‌گرا یا بومی‌گرایانه تبدیل شود. اگر نارضایتی از حدت و گستردگی کمتری برخوردار باشد، سازمان‌های مخالف ممکن است شکل همکاری‌های سیاسی و اقتصادی متعارف‌تری به خود بگیرند. اما اگر حمایت نهادی از رژیم بالا باشد، محتمل‌ترین نوع سازمان‌دهی، تشکیلات زیرزمینی است: جوامع بشری، هسته‌های انقلابی و سازمان‌های تروریستی.

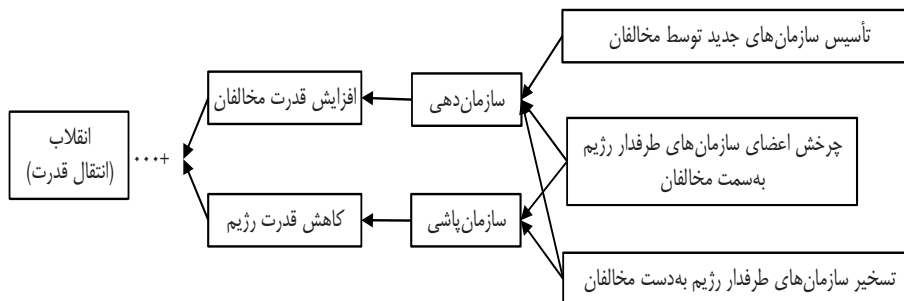
دومین بنیان سازمانی حمایت نهادی از مخالفان، «تسخیر» سازمان‌های طرفدار رژیم است. اگر این‌گونه سازمان‌ها مستقیماً تحت کنترل رژیم نباشند و اعضای آنها شدیداً ناراضی باشند، مخالفان شانس زیادی برای انجام این کار خواهند داشت. مخالفان فعال ممکن است با نوعی کودتای داخلی، کنترل سازمان‌های اقتصادی و سیاسی و نیز واحدهای نظامی رژیم را به دست آورند؛ اما اگر رژیم از اقتدار بالایی برخوردار باشد، میزان توانایی آنها برای اقناع اعضا به مشروعیت مخالفت، ظرفیت آنها را برای هدایت سازمان به سمت مخالفت آشکار محدود می‌سازد. اما این امر به معنای کاهش اهمیت رهبران مخالف در جهت دادن به نارضایتی نیست ... رهبران مخالف می‌توانند نارضایتی اعضا را به سمت فعالیت‌های متنوعی هدایت کنند؛ آنها قادر به کسب و حفظ کنترل بر سازمان‌های طرفدار رژیم نخواهند بود، مگر آنکه نارضایتی زیادی در میان طبقات پایین وجود داشته باشد.

و سومین بنیان سازمانی حمایت نهادی از مخالفان، «چرخش» یک مؤسسه یا انجمن بی‌طرف به سمت مخالفت فعالانه است. چرخش سازمان‌ها به سمت مخالفت فعالانه معمولاً یا به عنوان پاسخی به مداخله حکومت و یا به عنوان پاسخی ثانویه (پس از آنکه تلاش برای مشارکت از طریق کانال‌های متعارف با عکس‌العمل نامناسب یا سرکوب‌گرانه مواجه شد) صورت می‌گیرد. (همان: ۴۰۳ - ۴۰۱)

از آنچه تا کنون آمد نتیجه می‌گیریم سازمان‌دهی از طریق کارکردهایش می‌تواند بر معادلات قدرت در جامعه تأثیر بگذارد و احیاناً جابه‌جایی و انتقال قدرت را تسهیل نماید. از یک سو کارکردهای ابزاری سازمان‌های طرفدار رژیم به عنوان ابزاری برای کسب ارزش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و به عبارتی با بسیج منابع می‌تواند به تثبیت قدرت سیاسی حاکمان کمک کند. همچنین کارکرد بیانی سازمان‌ها برای بیان اعتراض‌ها و مخالفت‌ها مانند سوپاپ اطمینانی همین نقش را ایفا می‌کند. اما از سوی دیگر

مخالفتان و چالشگران به روش‌های مختلف از قبیل ایجاد و تأسیس سازمان‌های جدید، تسخیر سازمان‌های طرفدار حکومت و چرخش اعضای سازمان‌های طرفدار رژیم به سمت سازمان‌های مخالف، به سازمان‌دهی طرفداران خود می‌پردازند. این سازمان‌دهی همچنان که از شیوه‌های پیش‌گفته هویداست، با سازمان‌پاشی^۱ رژیم همراه و توأم است؛ یعنی کاهش قدرت رژیم. به علاوه سازمان‌های مخالفان طبعاً کارکردهای خود را دارند. به این صورت که مخالفان از طریق کارکردهای ابزاری سازمان، یعنی تأمین فرصت‌های ارزشی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به بسیج منابع می‌پردازند. به عبارتی، سازمان زمینه کسب و تثبیت قدرت مخالفان را فراهم می‌سازد.

از این روی، هر چند با نگاهی ظریف و دقیق، سازمان‌دهی و بسیج منابع در تعامل و تأثیر و تأثراند اما با تسامح می‌توان چنین انگاشت که سازمان‌دهی، متغیری مقدم بر بسیج منابع است. به این معنا که همچنان که تیلی می‌گفت سازمان باعث ارتقای بسیج است و به عبارتی هر چه سازمان‌دهی مخالفین و انقلابیون بیشتر باشد، بسیج منابع بیشتری صورت می‌گیرد. بنابراین سازمان‌دهی مخالفین، مع‌الواسطه و از طریق بسیج منابع موجب افزایش قدرت انقلابیون می‌شود و از طرفی دیگر از طریق سازمان‌پاشی و بسیج‌زدایی، فروگاهی قدرت رژیم را سبب می‌گردد و در نهایت، زمینه‌ساز انتقال قدرت و وقوع انقلاب می‌شود.



سازمان‌دهی در انقلاب ایران

هویت‌بخشی

چنان که پیشتر آمد، سازمان‌دهی که تأثیر مهمی بر بسیج منابع دارد، از دو عنصر اساسی تشکیل یافته است. عنصر ذهنی و معنایی که نقش هویت‌بخش و وحدت‌بخش بر اعضای گروه‌ها دارد و دیگری سازوکارها و شبکه‌های ارتباطی که امکان ارتباط بین اعضای گروه را ایجاد و تسهیل می‌نماید.

بسیاری از مطالعات صورت گرفته درباره انقلاب ایران بر این نظرنند که فرایند سازمان‌دهی و بسیج نیروی انسانی در جریان انقلاب بیش از هر چیز تحت تأثیر ایدئولوژی شیعه، اعم از مفاهیم هویت‌بخش آن و

1. Disorganization.

همچنین سازوکارهای ارتباطی عینی آن قرار داشته است؛ و مهم‌ترین وجه تمایزبخش انقلاب ایران را باید در «گسترده‌گی» بسیج انقلابی و «جوهره دینی» آن جست؛ یعنی در نقش تعیین‌کننده و تمام‌کننده دین به عنوان ایدئولوژی بسیج‌گر، رهبری بسیج‌کننده و شبکه و سازمان اداره‌کننده آن. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳: ۴۵)

به لحاظ ذهنی و معنایی، نظام‌های معنایی و اعتقادی ایدئولوژی شیعه، همچون ساختاری وحدت‌بخش و هویتی جمعی، نقشی چشمگیر در سازمان‌دهی و بسیج ایفا نمود. در واقع، نظام‌های معنایی، هم منابع و هم شیوه‌های بیان و توجیه کنش در جهت تعقیب اهداف جمعی محسوب می‌شدند. نظام‌های اعتقادی که بنیان بین‌الادّهانی داشتند نه تنها ذخیره‌ای از منابع محسوب می‌شدند که امکان استفاده از آنها وجود داشت، بلکه هویتی جمعی نیز ایجاد می‌کردند که منابع غیرفرهنگی را نیز می‌توانست به خدمت گیرد و ارائه آنها را تسهیل کند ... با اوج‌گیری فرایند انقلابی، روحانیون با استفاده از منابع فرهنگی توانستند حس یگانگی افراد و گروه‌ها با ایدئولوژی جنبش را تقویت کنند. (سیمتی، ۱۳۷۵: ۱۵۴)

در این باره، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد مفاهیم و عناصر اصلی این ایدئولوژی و به ویژه فرایند بازتفسیر این مفاهیم در جهت ارائه تلقی و قرائت نوین از آنهاست. چنان‌که مفاهیمی که پیش از آن، برداشتی انفعالی و محافظه‌کارانه از آنها وجود داشت مورد بازتفسیر^۱ قرار گرفت و به آموزه‌هایی حرکت‌آفرین و مبارزه‌جویانه مبدل گردید.

بسیاری از مفاهیم و مقولات اسلامی - شیعی همچون: توکل، رستگاری، توسل، دعا، شفاعت، عدالت، ولایت و امامت، اجتهاد، تقلید، نسبت دین و سیاست، امر به معروف و نهی از منکر، تقیه، غیبت، انتظار، جهاد، شهادت، عاشورا و ...، هر یک به‌گونه‌ای بازتفسیر شدند تا بتوانند توده‌های مردم را به حرکت درآورند. (کشاوری شکری، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

در این میان، مؤلفه اساسی ایدئولوژی شیعه یعنی «عاشورا و کربلا» که به تصریح یا تلویح، بسیاری از دیگر مفاهیم را دربرداشت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. عاشورا و کربلا از مهم‌ترین مقولاتی است که به صورت جدی در سال‌های منتهی به انقلاب مورد بازتفسیر قرار گرفت. به گونه‌ای که قرائت‌های شفاعت‌جویانه، سوگناک و فاجعه‌نگر جای خود را به قرائت‌های کارکردگرایانه، سیاسی و ایدئولوژیک داد. در این قرائت آرمان‌گرایانه و انقلابی از حادثه عاشورا، امام حسین علیه السلام جلوه‌ای انقلابی و سازش‌ناپذیر می‌یابد که به مبارزه و افشاگری علیه حکومت دست یافت و مردم را شورانید. امام حسین علیه السلام قهرمانی است که جز به جنگ و کشته شدن در راه آرمان رضایت نمی‌داد و چون نمی‌توانست بکشد، کشته شد تا با خون خود دشمن را رسوا کند. (اخوان‌مفرد، ۱۳۸۱: ۱۸۵)

تحلیل محتوای شعارهای انقلاب نشان می‌دهد که از ۴۱۵۳ شعار، ۳۹۰ شعار، یعنی ۹/۴ درصد آنها،

I. Reinterpretation.

دربدارنده مفاهیم «جهاد و شهادت» است. در این میان تعداد قابل توجهی از شعارها به مضامینی چون «اعلام آمادگی برای جهاد و شهادت و دعوت از دیگران برای پیوستن به قیام»، «اعلام آمادگی برای فداکاری، جهاد و شهادت در راه امام خمینی»، «جهاد و شهادت برای مبارزه و سرنگون کردن شاه و رژیم» دلالت دارند. و این گویای این مطلب است که مردم بر اساس باورهای اسلامی و شیعی و با همانندسازی انقلاب با قیام امام حسین علیه السلام، حاضر بوده‌اند با شوق و شور و با انتخاب خود پذیرای شهادت گردند، تا یا رژیم حاکم را سرنگون کرده و جامعه‌ای اسلامی بر پا کنند و یا به فیض شهادت نایل شوند. بعید به نظر می‌رسد بدون وجود چنین ارزش‌هایی و اعتقاد مردم به آنها و معنا کردن انقلاب و رهبری آن در قالب فرهنگ شیعی قیام امام حسین علیه السلام، چنان بسیج فراگیر توده‌ای به دست می‌آید. (پناهی، ۱۳۸۵: ۸۶ - ۸۴)

یادداشت این نکته بایسته است که در فرایند بازتفسیر آموزه‌های شیعه جهاد و تلاش سه چهره بیش از دیگران برجسته و مؤثر بوده است: امام خمینی، شهید مطهری و دکتر شریعتی؛ که در این میان نقش امام خمینی به دلیل جایگاه مرجعیت تقلید و ارتباط مؤثر با همه اقشار و طبقات، از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی این بود که با طرح شعار «کلُّ یومِ عاشورا و کلُّ ارضٍ کربلا» مردم را به این امر تشویق کرد که می‌توان در هر زمان و از جمله در زمان حاضر به ندای «هل من ناصر» حسین بن علی علیه السلام پاسخ داد و راه آن را نیز در مبارزه با حکومت یزید زمان معرفی کرد. در نتیجه، گفتمان حاکم بر مجالس مذهبی در سال‌های منتهی به انقلاب، الگوی تطبیق مبارزات ضد رژیم بر قیام عاشورا بود. وی از آغاز نهضت این الگو را مطرح کرد و در سال‌های مبارزه هم به مناسبت‌های مختلف در قالب بیانیه، تلگراف، پیام، مصاحبه و ... بر آن تأکید داشت. بر اساس این الگو، انقلاب به مثابه تکرار واقعه عاشورا تصور می‌شد و امام خمینی به منزله فرزند و وارث امام حسین علیه السلام، ارتش شاه به منزله ارتش یزید و انقلابیان به منزله یاران امام حسین علیه السلام در نظر گرفته می‌شدند. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۱۹۲) با توجه به این نگرش‌ها و بینش‌هاست که به تعبیر حمید عنایت:

امام خمینی مفاهیمی مانند تقیه و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و شهادت را به صورت متفاوتی با فقهای قبل تفسیر کرد و با توجه به ربط وثیقی که بین این چهار مقوله برقرار می‌نمود هنگامی که شهادت امام حسین علیه السلام و عبارت «کلُّ یومِ عاشورا و کلُّ ارضٍ کربلا» را در نظر می‌گرفت، تفسیری از قیام امام حسین علیه السلام به دست می‌داد که می‌توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند. (عنایت، ۱۳۶۲: ۲۷۱)

شهید مطهری نیز از مهم‌ترین چهره‌هایی است که در راستای بازتفسیر عاشورا و کربلا از «فاجعه و مصیبت» به «حماسه» تلاش مؤثری داشته است. او در سلسله سخنرانی‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ ایراد کرد، بی‌محایا جبهه‌ای در نقد و اعتراض به قرائت‌های سنتی رایج در باب عاشورا و پاره‌ای آیین‌های عزاداری گشود. عنصر کلیدی این سخنرانی‌ها و یادداشت‌ها، گوشزد این خطر بود که در روایت

عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام تحریفاتی وارد شده است. تحریفاتی که باعث شده است این منبع عظیم انقلابی و حماسی از کارکردهای اجتماعی و سازنده خود تهی شود و به ماده‌ای تخدیرکننده و انفجالی مبدل شود. در مقابل، تمرکز اصلی او بیشتر بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان اهداف اصلی و اصیل قیام امام حسین علیه السلام است و به مقابله و نقد دیگر تفاسیر سنتی و معمول از آن می‌پردازد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۱۹۷)

دیگر چهره شاخصی که نقشی مؤثر در بازتفسیر ایدئولوژی شیعه، به ویژه در ارتباط و انتقال آن به قشر روشنفکر جامعه و به طور مشخص دانشگاهیان ایفا کرد مرحوم شریعتی است. او در سخنان و نوشته‌هایی چون «مسئولیت شیعه بودن»، «شیعه، یک حزب تمام»، «حسین، وارث آدم»، «یاد و یادآور آن»، «شهادت»، «پس از شهادت» و «تار»، به تبیین و تحلیلی نوین از قیام امام حسین علیه السلام، بررسی درس‌های سیاسی — اجتماعی عاشورا، تحلیل انتقادی متون سیاسی شیعه و نیز آداب و مراسم سوگواری عاشورا پرداخت. در همین راستا ضمن ارائه تفسیری اجتماعی و سیاسی، حماسی و مبارز، ظلم‌ستیز و عدالت‌خواهانه از تشیع، با طرح تقابل دوگانه «تشیع سرخ علوی» و «تشیع سیاه صفوی» صراحتاً به میدان نبرد و طرد قرائت سنتی از اسلام پای گذاشت.

رویکرد شریعتی به واقعه عاشورا و مجالس روضه و عزا هم تابع همین تفسیر و نگاه سیاسی و ایدئولوژیک بود: «عاشورا به مثابه یک الگو، طرح و برنامه سیاسی و مبارزاتی قابل استفاده و بهره‌برداری در همه اعصار و ازمنه است و مجالس عزا، مجالس تذکر و زنده نگه‌داشتن حقیقت قیام امام حسین علیه السلام و تشیع». (همان: ۲۰۱ - ۱۹۹)

باری، این بازتفسیر به گفتمان اسلام انقلابی انجامید که توانست همه گروه‌ها و جریان‌های مبارز را دربرگیرد. چنین همگرایی‌ای تنها حاصل تعریف یک دشمن واحد (رژیم پهلوی) و یا قرار گرفتن شاه در ثقل تمامی گفتمان‌های مبارزاتی نبود؛ بلکه علت اصلی را باید در بازتاب دقایق انقلابی سایر گفتمان‌ها همچون جهت‌گیری‌های «ضد امپریالیستی»، «ضد سرمایه‌داری و طبقه مرفه»، «تمایلات و گرایش‌های مردمی»، «تکیه بر مردم تهی‌دست و پابرنه»، «نوید جامعه‌عاری از سلسله‌مراتب اشرافی»، «نشان دادن کار به جای سرمایه»، «ترجیح مالکیت عمومی بر مالکیت خصوصی»، «تأکید بر آزادی و استقلال»، «تأکید بر رهایی تمامی ملت‌های دربند»، «محترم شمردن حقوق انسان‌ها» و ... جستجو کرد. (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۰۲ - ۱۰۱) به بیانی، مؤلفه‌ها و آموزه‌های ایدئولوژی شیعه یا همان گفتمان اسلام انقلابی هویتی مشترک و ساختاری وحدت‌بخش در جامعه پدید آورد که پیامد آن تعهد و وفاداری اقشار مختلف مردم در ارائه منابع در مسیر انقلاب بود.

شبکه ارتباطی

اما جدای از بُعد ذهنی و نگرشی ایدئولوژی شیعه و البته به موازات آن، شبکه ارتباطی عینیت‌یافته مبتنی بر ایدئولوژی نیز تأثیر بسزایی در سازمان‌دهی و بسیج نیروی انسانی ایفا نمود.

در این باره گونه‌های متعددی از شیوه‌ها و شبکه‌های ارتباطی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین آنها در فرایند انقلاب به شبکه ارتباطی مرجع - مقلد می‌توان اشاره نمود. شبکه‌ای گسترده که با

واسطه روحانیون، بین مرجع تقلید و جامعه مقلدان شکل می‌گیرد. شبکه ارتباطی میان امام خمینی به عنوان مرجع تقلید و مقلدان ایشان مهم‌ترین شبکه مؤثر در سازمان‌دهی کنشگران انقلابی بوده است. در همین راستا می‌توان به نمایندگان امام در سراسر کشور اشاره داشت که از طرف او اجازه‌نامه تصدی امور حسبیه و شرعیه داشته‌اند. بر اساس نامه‌های مندرج در صحیفه امام، از سال ۱۳۴۰ تا ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی بیش از دویست نفر در جای‌جای کشور از امام اجازه‌نامه دریافت کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱ تا ج ۵)

جان فوران در این باره می‌گوید:

شبکه‌ای از شاگردان پیشین امام خمینی در داخل و خارج از ایران پشتوانه سازمانی را برای وی فراهم آورد. اغلب اینها اعضای «جامعه روحانیت مبارز» بودند که در اواخر دهه ۱۹۶۰ م / ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ م / ۱۳۵۰ شکل گرفت تا پیام‌های [امام] خمینی را به مردم برسانند. [امام] خمینی تا سال ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۳ صدها نفر را تعلیم داده بود و اینها از سال‌ها پیش در رده‌های روحانیت قرار داشتند. هنگامی که در ۱۹۷۸ م / ۱۳۵۷ انقلاب آغاز شد، [امام] خمینی از یک ایدئولوژی مبارز و یک سازمان پرکشش برخوردار بود که سرانجام رهبری انقلاب را در دست‌های او قرار داد. (فوران، ۱۳۷۷: ۵۴۴)

توانایی روحانیت در بسیج توده‌ای، علاوه بر تأثیرپذیری از سه عامل علقه دینی مردم، نداشتن خاطرات ناخوشایند از عملکرد گذشته آنان و آمیزش و مخالطت نزدیک با ایشان، از شرایط و امکانات بی‌نظیری برمی‌خاست که به طور سنتی در اختیار آنان قرار داشت. استقلال مالی روحانیت از دولت، در اختیار داشتن شبکه منابر وعظ و خطابه و هیئت مذهبی با کارکردهای مختلف خصوصاً در شرایط مغایر، وجود تجمعات علمایی غیرقابل تعرض، مثل مدارس دینی و ساختار قدرتمند و در عین حال ناآشکار مرجعیت، وجود مناسبت‌های دینی فراوان در طول سال و خارج بودن آن از امکان کنترل و مداخلات دولتی و زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی پرازدحام، از جمله ظرفیت‌ها و موقعیت‌های بی‌نظیری بود که می‌توانست سرپل‌های ارتباطی روحانیت را بی‌هیچ مانع مؤثری به توده‌های مردم متصل سازد. گستردگی و پراکندگی جمعیت روحانی در سطح شهرها و روستاها و پیوند فکری و روحی آنان به هم و به مراجع و رهبران دینی، روحانیت را به بزرگترین و قدرتمندترین سازمان اجتماعی موجود در کشور بدل ساخته بود. (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۵۴ - ۵۳)

استفاده گسترده از مراسم تشییع و ترحیم برای بزرگداشت خاطره شهدا، اجتماعات مختلف را گردهم می‌آورد و آنها را به رهبری انقلاب پیوند می‌داد. در جامعه شیعی همیشه از شعایر مذهبی، یعنی مراسمی برای احیای مفاهیم صبر و فداکاری استفاده شده است. به‌علاوه در تقویم اسلامی مناسبت‌های زیادی هست که شیعیان آنها را با برگزاری گردهمایی‌هایی گرامی می‌دارند و در آن روحانیون، نقش اصلی را در یادآوری مصائب مشترک کل جامعه ایفا می‌کنند. این سنت‌ها که در فرهنگ و تجربه جمعی مردم جای گرفته‌اند، در واقع از نظر ایجاد حس تعهد و تکلیف که به‌نوبه خود می‌تواند برای تضمین عمل جمعی مورد استفاده قرار گیرد اهمیت زیادی دارند. (همان: ۱۵۳)

مهم‌ترین شبکه ارتباطی برای سازمان‌دهی و بسیج نیروی انسانی شبکه مساجد و اماکن و هیئت‌های مذهبی بود که کارکردهایی بسیار مهم در نیل به این اهداف ایفا نمود؛ و اهم آنها عبارت است از: ایجاد ارتباطات چهره به چهره بین مردم و دست‌اندرکاران انقلاب، تشکیل گروه‌ها و تشکل‌های مختلف، ارتقای آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی، تهییج و تحریک مردم به وسیله سخنرانی و خطابه‌ها، تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها، رسیدگی و پشتیبانی مالی از انقلابیون و خانواده‌های آسیب‌دیده از انقلاب، مدیریت و نظارت جهت سازمان‌دهی نیروهای داوطلب، توزیع برخی اجناس و کالاهای ضروری و کمیاب، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و کمک به مردم به صورت نهادینه و ... (شریف پور، ۱۳۸۰: ۶۶)

با گسترش فرهنگ مبارزه در سال‌های دهه پنجاه و روشن‌گری قشرهای مبارز روحانیان و روشنفکران، از این مقطع به بعد شاهد ظهور منبرهای سیاسی و انقلابی‌ای هستیم که هم خطبا و هم مخاطبان آنها اکثراً جوان و عموماً از قشر تحصیل کرده‌اند. آنچه بروز چنین تغییری را سرعت بخشید، ورود روحانیان انقلابی و مبارز (عموماً شاگردان امام خمینی) به عرصه خطابه و روضه‌خوانی بود. این روحانیان و وعظ انقلابی در آستانه مناسبت‌های مذهبی، خصوصاً ماه‌های محرم و رمضان، با تشکیل جلساتی درباره آنچه که باید بر منابر به عنوان تکلیف شرعی و سیاسی گفته می‌شد، تصمیم‌گیری می‌کردند. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

در واقع انقلابیون برای سازمان‌دهی از روش‌های سنتی و مذهبی همراه با ابزار مدرن استفاده می‌کردند:

۱. گسترش اطلاعات و دستورات امام با استفاده از نوارهای کاست، شبنامه‌ها، دادن خبر بعد از نماز در مساجد، اطلاع‌رسانی سریع موتورسواران و ... در اینجا باید نقش بسیار مهم رادیوهای خارجی را به عنوان یک متغیر مهم در «قالب بین‌المللی» مورد تأکید قرار داد که در آن زمان در مقایسه با سیستم رسانه‌های دولتی رژیم شاه، اخبار و اطلاعات بیشتری از فعالیت‌های مخالفین را پخش می‌کردند؛
۲. بر اساس زمان‌های مرسوم برای «مراسم ختم»، روزهای سوم، هفتم و بالاخص چهلم بعد از شهادت انقلابیون، برنامه زمان‌بندی شده برای شورش و اعتصاب تنظیم شد. (۱۹ دی ۱۳۵۶ شورش قم، ۲۹ بهمن شورش تبریز، ... یزد، مشهد) همزمان با این برنامه در هر شورش نیز تعداد شهدا بیشتر می‌شد و لذا در مراسم ختم بعدی تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم و شورش نیز بیشتر می‌شد و از این طریق دامنه و شدت شورش گسترش و افزایش می‌یافت؛
۳. برگزاری نمازهای بزرگ جماعت در خیابان‌ها نظیر نماز عید فطر که طی آن برای سربازان، از نظر وجدانی بسیار سخت بود تا بر روی نمازگزاران آتش بگشایند؛ و لذا دستورات در این زمینه موجب تشدت جدی در ارتش شد؛
۴. مهم‌ترین، مؤثرترین و بی‌نظیرترین عامل سازمان‌دهی، استفاده از روش‌های مذهبی - هیئتی بود که روزهای تاسوعا و عاشورای قبل از انقلاب، طبق الگوی معمول هیئت‌ها، سازمان‌دهی شد. اهمیت جامعه‌شناختی این سازمان‌دهی مورد تعجب دانشمندان خارجی نیز بوده است. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۰۱ - ۱۰۰)

حسین فردوست در این باره می‌گوید:

سازمان روحانیت از پیش آماده بود و مانند یک حزب منسجم که فرد فرد اعضای آن به امور مذهبی، سیاسی و اجتماعی مسلط بودند در سراسر کشور حتی تا سطح ایلات و عشایر گسترش داشت؛ بنابراین سازمان‌دهی انقلاب با همین سازمان سنتی حوزه‌های علمیه صورت گرفته است. سازمانی که پنج عنصر و رکن اساسی را دارا بود و شامل علما و مراجع دینی، حوزه‌های علمیه، مدارس مذهبی، بقاع و قبور متبرکه، مساجد و ائمه جماعات و دسته‌ها و هیئت‌های مذهبی می‌شد. ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم نمی‌توانستند روحانیونی را سرکوب کنند که تعدادشان به سیصدوپنجاه هزار نفر می‌رسید. (فردوست، ۱۳۷۳: ۱ / ۵۶۷ - ۸)

درباره به‌کارگیری شیوه‌های نوین ارتباطات، یکی از نکات بایسته توجه تصمیم‌سرنوشت‌ساز امام‌خیمینی درباره خروج از عراق و سفر به پاریس است. با این تصمیم، امام عملاً خود را از حصر رسانه‌ای خارج می‌سازد و از شبکه ارتباطی رسانه‌ای موجود در فرانسه به بهترین شکل بهره می‌گیرد. برای بررسی حجم فعالیت‌های رسانه‌ای امام در مدت اقامت در فرانسه، می‌توان به شمارش تعداد پیام‌ها، بیانات و مصاحبه‌های وی با رسانه‌های خارجی پرداخت. جدول زیر در مقایسه‌ای عددی به صورت تقریبی، فشردگی فعالیت سیاسی امام در این برهه چهار ماهه را نشان می‌دهد. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۲: ۸۰)

مکان	سخنرانی	پیام	مصاحبه	نامه	جمع
نجف (مردادماه ۱۳۵۶ تا مهرماه ۱۳۵۷)	۶	۲۸	۲	۷۵	۱۱۱
پاریس (۱۴ مهرماه ۱۳۵۷ تا ۱۱ بهمن ۱۳۵۷)	۷۸	۳۸	۱۱۷	۲۸	۲۶۱

شبکه ارتباطی بازار هم در سازمان‌دهی و بسیج منابع انسانی نقش بسزا داشت. استمیل می‌گوید:

در جوامع اسلامی بازار تنها یک سازمان کوچک تجارتي نیست، بلکه دارای یک بافت روابط اجتماعی هم هست. مثلاً در تهران بیش از ۹ کیلومتر بازار سرپوشیده وجود دارد و این امر موجب برقراری و حفظ تماس کلیه صاحبان مغازه‌ها می‌گردد ... بازاریان همیشه به حرکت‌های دسته‌جمعی مذهبیون اسلامی کمک کرده‌اند و در آشوب‌های ۱۳۴۲ که نزدیک بود موفق شود، مهارت خود را در به صحنه کشاندن مردم به عنوان یک عامل مهم نشان دادند. در سال‌های ۵۷ - ۵۶ نیز همچنان که بر تعداد تظاهرکنندگان افزوده می‌گشت، بازاریان و رهبران مذهبی برای سازمان‌دهی تظاهرات از حداکثر استعداد خود بهره گرفتند. (استمیل، ۱۳۷۷: ۷۲ - ۷۱)

همکاری بین مساجد و دانشگاه‌ها هم از عوامل سازمان‌دهی بود. دانشجویان و انجمن‌های آنان از مهم‌ترین عناصر در تأسیس زیربنای شبکه ارتباطات و انتشار آرمان‌های انقلابی در مناطق مختلف شهر بودند. (هادیان، ۱۳۷۹: ۱۸۲)

گذشته از روحانیت و بازار که بیشترین نقش را در سازمان‌دهی و بسیج نیروی انسانی بر عهده داشتند، روشنفکران و طبقه متوسط جدید نیز با تأسیس و ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات مدرن به سازمان‌دهی می‌پرداختند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: احزاب و گروه‌های سیاسی همچون حزب توده، جبهه ملی، نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریک‌های فدایی خلق و ... که هر کدام بسته به نوع ایدئولوژی و شکل ارتباطشان با توده مردم نقشی متفاوت در فرایند بسیج نیروی انسانی ایفا کردند.

سازمان‌پاشی

از سوی دیگر همچنان که در مباحث نظری آمد، انقلابیون هم‌زمان با سازمان‌دهی و بسیج نیروی انسانی در راستای انباشت و افزایش قدرت، به منظور ضربه زدن به حکومت و کاهش قدرت آن به «سازمان‌پاشی» می‌پردازند که طی آن ساختارهای وحدت‌بخش و هویت‌ساز که اعضا و طرفداران حکومت حول آن متحد و منسجم بودند، از هم فرومی‌پاشد و پراکندگی و از هم گسیختگی جای آن را می‌گیرد.

اساسی‌ترین و مؤثرترین سازمان‌پاشی در انقلاب اسلامی ایران در میان قوه قهریه و نیروهای سرکوب رژیم اتفاق می‌افتد که به واسطه آن، نیروهای نظامی به حکومت متعهد و وفادار نماندند و در سرکوب مخالفان و مدعیان شرکت نکردند و حتی در بسیاری موارد علیه رژیم نیز اقدامات و فعالیت‌هایی انجام دادند. این مورد را می‌توان نمونه‌ای برجسته از مفهوم «سازمان‌پاشی» و به طور مشخص «تسخیر» سازمان‌های طرفدار رژیم و «چرخش» اعضای آن سازمان‌ها به سمت انقلابیان به شمار آورد؛ چراکه سازمان‌هایی که به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اعمال قدرت و سرکوب در خدمت حکومت قرار داشته است، در جریان انقلاب و در نتیجه اقدامات سازمان‌پاشی انقلابیان از کنترل حکومت خارج گشته و به تسخیر انقلابیان در آمده است.

در مواردی سربازان و درجه‌داران و افسران جزء، اقدام به حذف فیزیکی مأموران شهرداری یا فرمانداری نظامی کردند. در روز ۳۰ دی ۵۷ گروهی متشکل از هزار افسر، همافر و درجه‌دار پایگاه هوایی بندرعباس با راهپیمایی در محوطه پایگاه با ... جنبش ملت ایران اعلام همبستگی کردند. (لطفیان، ۱۳۸۰: ۲۲۷) این روند پس از ورود امام‌خمینی به ایران شدت و وسعت بیشتری یافت. در ۱۵ بهمن صدها تن از همافران و افراد نیروهای زمینی و هوایی با لباس نظامی به محل اقامت امام خمینی رفتند و وفاداری خود را نسبت به ایشان ابراز داشتند ... در همین روز حدود ۱۵۰۰ نفر از پرسنل نیروی هوایی و هوانیروز اصفهان با پیوستن به اجتماع مردم با آنان به راهپیمایی برضد رژیم و حکومت بختیار پرداختند ... و آنچه بیش از همه بر فروپاشی دستگاه سرکوب رژیم تأثیر گذاشت این بود که روز ۱۹ بهمن گروهی از همافران و درجه‌داران نیروی هوایی در تظاهرات و راهپیمایی به طرفداری از انقلاب شرکت کردند؛ سپس به نشانه همبستگی با امام خمینی به اقامتگاه ایشان رفتند و در برابر امام رژه رفتند. این خبر و تصویر رژه در روزنامه‌های عصر آن روز انتشار یافت. (همان: ۲۵۸ - ۲۵۶)

این وضعیت یعنی اعلام همبستگی و پیوستن به انقلابیان در سطوح بالاتر نیز ادامه داشت، به گونه‌ای که قره‌باغی از آن با عبارت «مسابقه مقامات مملکتی برای اعلان همبستگی» یاد می‌کند. (قره‌باغی، ۱۳۶۵: ۲۹۴) تداوم و گسترش همبستگی و ائتلاف نظامیان در رده‌های مختلف با انقلابیان از عواملی بود که باعث گردید تا سرانجام فرماندهان ارشد ارتش به این نتیجه رسیدند که دیگر امکان و توان مقابله با امواج انقلاب وجود ندارد و به همین دلیل در صبح روز ۲۲ بهمن اعلامیه بی‌طرفی ارتش را صادر کردند و بدین ترتیب جدی‌ترین مرحله سازمان‌پاشی به وقوع پیوست.

یکی دیگر از عوامل سازمان‌پاشی در دستگاه سرکوب رژیم، بحث ترکیب گروهی و طبقاتی نیروهای مسلح است؛ و مقصود این است که چون تعداد سربازان وظیفه نسبت به نیروهای کادر و رسمی در ارتش ایران خیلی زیاد بوده، ارتش نتوانسته است با انقلابیان مقابله کند. سیمتی در این باره می‌گوید:

۷۵ درصد از افراد ارتش را سربازان وظیفه تشکیل می‌دادند. اینان خیلی زود از شلیک کردن به توده مردم که بسیاری از اعضای خانواده‌هایشان هم در میان آنها بودند، سر باز زدند. سربازان وظیفه عمدتاً از خانواده‌های کارگری و طبقه متوسطی برخاسته بودند که در خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند. (سیمتی، ۱۳۷۵: ۱۶۵)

به گفته ارتشید قره‌باغی ادامه حضور در خیابان‌ها و تماس سربازان با مردم، آنها را تحت تأثیر قرار داد:

در شروع اعلان حکومت نظامی اگر آن جریان ۱۷ شهریور پیش نمی‌آمد یعنی در مدت شش ماه سربازها را کنار خیابان نگاه نمی‌داشتند و ... و گذاشتند که مردم بیایند از جلوی اینها رد بشوند، می‌آمدند، رد می‌شدند، تظاهرات می‌کردند، به همه مقدسات مملکت ناسزا می‌گفتند و سرباز همینطور نگاه می‌کرد. بعد یواش یواش آمدند، دونه دونه اینها را باهاشون صحبت می‌کردند. با اینها حرف می‌زدند، می‌گفتند برای کی شما خدمت می‌کنید؟ بیایید بروید. بعد ... پدر و مادرهاشون نامه می‌نوشتند بهشون. مادر می‌نوشت که پسر من شیرم را به تو حلال نمی‌کنم ... در هیچ کشوری من فکر نمی‌کنم که شما یک سرباز را شش ماه کنار خیابون نگه دارید که تماس بگیره با مردم، بیایند تحت تأثیر قرار بدهند. (مه‌دوی، ۱۳۷۲: ۳۱۹ - ۳۱۸)

بنابراین غلبه جمعیتی سربازان وظیفه نسبت به نیروهای کادری و رسمی به علاوه امکان برقراری ارتباط و تماس دوستانه توده مردم با ایشان در مدت زمان نسبتاً طولانی باعث گردید تمرد و سرپیچی از دستور فرماندهان و فرار از پادگان‌ها و پاسگاه‌ها در شرایط انقلابی، به وفور به چشم آید. نمونه مهم دیگر سازمان‌پاشی که می‌توان آن را نقش مهم طبقه کارگر در فرایند سازمان‌دهی تلقی کرد، اعتصابات و تظاهرات اقشار مختلف مردم بود که از آن میان اعتصاب کارکنان شرکت نفت از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

روز ۱۸ شهریور ۵۷ اعتصاب بلندمدت کارگران صنعت نفت آغاز گردید. به زودی کارکنان ارتباطات، حمل و نقل، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، کارگران کارخانه‌های کاغذسازی، ماشین‌سازی، ابزارسازی، دخانیات، بافندگی، ذوب‌آهن و سایر بخش‌ها به نفت‌گران پیوستند ... اعتصاب ۳۰ هزار کارگر صنعت نفت ایران حالتی تعیین‌کننده داشت. ارتش، نفت‌گران را به زور سرکار آورد اما در ماه‌های آذر و دی بار دیگر دست از کار کشیدند و تا پایان در اعتصاب باقی ماندند. کارگران نفت می‌گفتند ما تنها هنگامی صادرات نفت را از سر می‌گیریم که ابتدا شاه را صادر کرده باشیم. (فوران، ۱۳۷۷: ۵۷۰ - ۱)

جدول زیر که تعداد تظاهرات و اعتصابات در سه دوره زمانی نشان داده شده، گویای این است که هرچه فرایند انقلاب به پیش می‌رود، تراکم امواج اعتراضات مردمی فزونی می‌یابد. (اشرف، ۱۳۶۵: ۴۶، به نقل از جلالی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰)

اعتصابات	تظاهرات	مراحل
۱۲	۱۵۶	تابستان ۱۳۵۶ تا بهار ۱۳۵۷
۱۱۹۵	۹۵۴	مردادماه تا آبان‌ماه ۱۳۵۷
وضعیت بحرانی	۱۳۸۳	آذرماه تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷

اعتصاب سراسری کارگران و کارمندان را نیز می‌توان مصداقی از چرخش و تسخیر سازمانی رژیم تلقی کرد که از طریق آن علاوه بر اینکه انقلابیان به عنوان ابزاری برای بیان مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها استفاده کردند، مهم‌ترین منابع مادی را نیز از کنترل حکومت خارج کردند. فقدان منابع مالی حاصل از قطع صادرات نفت، انرژی، حمل و نقل و ... تأثیر بسیار مهمی در فروکاهی قدرت رژیم بر جای گذاشت.

نتیجه

از آنچه در این نوشتار آمد درمی‌یابیم که به رغم برخی آثار که انقلاب ایران را بر پایه نظریه‌های رفتار جمعی همچون کاریزما تبیین کرده و تنها بر بُعد احساسی و هیجانی انقلابیان در یکی دو سال منتهی به انقلاب پای فشرده‌اند، واقعیت انقلاب نشان‌دهنده این است که محاسبه و عقلانیت نیز در پیدایش و گسترش کنش انقلابی نقشی بس مهم داشته و فرایند نسبتاً بلندمدت سازمان‌دهی شاهدی بر این مدعاست.

بازتفسیر ایدئولوژی شیعه و احیای گفتمان اسلام انقلابی توسط افرادی چون امام خمینی، استاد مطهری، و دکتر شریعتی و ... که به شکل‌گیری هویتی مشترک و وحدت‌بخش انجامید؛ ایجاد شبکه ارتباطی گسترده و کارآمد میان رهبران و اقشار مختلف مردم در راستای بسیج منابع و تلاش‌هایی هدفمند در جهت تسخیر سازمان‌های طرفدار رژیم مهم‌ترین ارکان سازمان‌دهی مبتنی بر عقلانیت است.

با این وصف، در مطالعه و تبیین انقلاب اسلامی می‌بینیم که سازمان‌دهی و بسیج منابع، از مهم‌ترین

عواملی است که از یک سو به فروکاهی قدرت رژیم و از سوی دیگر به قدرت یابی انقلابیان منجر می شود و ادامه این فرایند، سرانجام به انتقال قدرت و پیروزی انقلاب اسلامی می انجامد.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یراوند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی.
۲. اخوان مفرد، حمیدرضا، ۱۳۸۱، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۳. استمپل، جان، دی، ۱۳۷۷، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، رسا.
۴. اسکاچپل، تدا، ۱۳۷۹، «حکومت تحصیل دار (صاحب درآمد مستمر) و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، ترجمه محسن امین زاده، *رهیافت های نظری بر انقلاب اسلامی* (مجموعه مقالات)، به کوشش عبدالوهاب فراتی، تهران، معارف.
۵. اشرف، احمد، ۱۳۶۵، «دولت، طبقات اجتماعی و شیوه بسیج مردم در انقلاب ایران»، *علم و اجتماع*، شماره ۵۰.
۶. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. پناهی، محمدحسین، ۱۳۸۵، «ارزش های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۹.
۸. _____، ۱۳۸۹، *نظریه های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۹. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، «غیریت و هویت شکل گیری گفتمان انقلابی در ایران»، *فصلنامه متین*.
۱۰. تیلی، چارلز، ۱۳۸۵، *انقلاب و بسیج سیاسی*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۱. جلالی پور، حمیدرضا، ۱۳۸۵، «تبیین «فرایند» پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۶ - ۵۷ بر اساس سرمشق انتخاب عقلانی و نظریه بسیج منابع»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۵، شماره ۵۶ - ۵۷.
۱۲. حاضری، علی محمد، ۱۳۸۰، *انقلاب و اندیشه: مباحثی در جامعه شناسی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
۱۳. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی یا مسائل اجتماعی ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. ریتزر، جرج، ۱۳۷۴، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

۱۵. _____، ۱۳۸۹، *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث.
۱۶. سلیمی، حشمت‌الله، ۱۳۸۶، *مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. سمتی، محمدهادی، ۱۳۷۵، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۳۵.
۱۸. شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۲، *برهه انقلابی در ایران*، تهران، عروج.
۱۹. _____، ۱۳۸۳، «نقش و عملکرد دین در «وضعیت انقلابی»: بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره سوم.
۲۰. شریف‌پور، رضا، ۱۳۸۰، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. عنایت، حمید، ۱۳۶۲، *تفکر نوین سیاسی اسلامی*، تهران، نشر سپهر.
۲۲. فردوست، حسین، ۱۳۷۳، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۲ جلد)*، تهران، اطلاعات.
۲۳. فوران، جان، ۱۳۷۷، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۲۴. فی، برایان، ۱۳۸۱، *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرش چندفرهنگی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو.
۲۵. قره‌باغی، عباس، ۱۳۶۶، *اعترافات ژنرال*، تهران، نی.
۲۶. کشاورز شکری، عباس، ۱۳۷۹، «ایدئولوژی شیعه و بازتفسیر آن»، *فصلنامه متین*، شماره ۸.
۲۷. کوهن، جین، ۱۳۸۶، «استراتژی یا هویت؛ پارادایم‌های نظری جدید و جنبش‌های اجتماعی معاصر»، *فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید*، ترجمه علی حاجلی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
۲۸. گر، تد رابرت، ۱۳۷۷، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. گلدستون، جک، ۱۳۸۵، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۳۰. لطفیان، سعیده، ۱۳۸۰، *ارتش و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۱. لوبون، گوستاو، ۱۳۶۹، *روان‌شناسی توده‌ها*، ترجمه کیومرث خواجه‌یها، تهران، روشنگران.
۳۲. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۱، *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۳۳. مظاهری، محسن حسام، ۱۳۸۷، رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۴. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۷۲، *انقلاب ایران بر روایت بی‌بی‌سی*، تهران، طرح نو.
۳۵. نش، کیت، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۳۶. هادیان، ناصر، ۱۳۷۹، «نظریه تدا اسکاچ‌پل و انقلاب اسلامی ایران»، در *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، به کوشش عبدالوهاب فراتی، تهران، معارف.

37. Taylor, Stan, 1984, *Social Science and Revolution*, New York, St. Martin,s Press.